



سنجش و نقد فلسفه و عرفان

تصحیح رساله منته المَعْرُورین

مؤلف: آیت الله محمد کاظم هزار جریبی حائری مازندرانی

تصحیح و تعلیقات: علی قلی‌بریان (قیّاض)

مقدمه: حجت الاسلام علی رضا لیاقتی هزار جریبی

سرشناسه: هزارجریبی، محمدکاظم بن محمدشفیع، - ۱۲۳۴ق.

عنوان قرارداد: رساله منبه المغرورین

عنوان و نام پدیدآور: سنجش و نقد فلسفه و عرفان: تصحیح رساله منبه المغرورین / مؤلف: محمدکاظم هزارجریبی حائری مازندرانی؛ تصحیح و تعلیقات: علی قنبریان (عبدالله فیاض)؛ سفارش دهنده: مؤسسه فرهنگی هنری نوین پژوهش فیاض.

مشخصات نشر: تهران: میراث فرهنگی، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری: ۲۴۸ ص.؛ مصور: ۱۴/۵ × ۲۱/۵ سم.

شابک: 978-600-8898-88-7: ۳۲۰۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه.

عنوان دیگر: تصحیح رساله منبه المغرورین.

موضوع: تصوف -- رده ها

موضوع: Sufism -- Controversial literature

موضوع: تصوف -- متون قدیمی تا قرن ۱۲

موضوع: Sufism -- Early works to 20th century

موضوع: فلسفه -- متون قدیمی تا قرن ۱۴

موضوع: Philosophy -- Early works to 20th century

شناسه افزوده: قنبریان، علی / ۱۳۹۸ / ۱

شناسه افزوده: مؤسسه فرهنگی هنری نوین پژوهش فیاض

شناسه افزوده: Novin Pazhuhesh Fayyaz Art and Cultural Institute

رده بندی کنگره: BP۲۹۵/۲؛ رده بندی دیویی: ۲۹۵/۸۶؛ شماره کتابشناسی ملی: ۵۷۹۶۱۹۵

سنجش و نقد فلسفه و عرفان

تصحیح رساله منبه المغرورین

مؤلف: آیت الله محمدکاظم هزارجریبی حائری مازندرانی

تصحیح و تعلیقات: علی قنبریان (فیاض)

مقدمه: حجت الاسلام علیرضا لیاقت هزارجریبی

انتشارات میراث فرهنگی، ۱۳۹۸ Miras Farhanghi Publications

طراح جلد، صفحه آرا، و سفارش دهنده: مؤسسه فرهنگی هنری نوین پژوهش فیاض

Novin Pazhuhesh Fayyaz Art and Cultural Institute

چاپ اول / ۱۳۹۸ شمسی / شماره گان: ۵۰۰ نسخه / قیمت: ۳۲۰۰۰ ریال

شابک ۹۷۸-۶۰۰-۸۸۹۸-۸۸-۷

ISBN:978-600-8898-88-7



۰۹۱۲ ۸۵ ۱۹۹ ۸۵
WWW.MIRAS-FARHANGHI.PUBLICATIONS



نوین پژوهش
۰۹۱۲ ۸۵ ۱۹۹ ۸۵
WWW.NOVIN-PAZHUSH.FAYYAZ.ART

فهرست مطالب

۹	مقدمه حجت الاسلام علیرضا لیاقتی هزارجریبی
۹	نقد فلسفه، تصوف، و عرفان
۲۶	ویژگی های مکتوبات هزارجریبی
۲۶	۱. مخاطبان عام و فراگیر
۲۷	۲. مطالعات پُردامنه
۲۸	۳. دستگاه افکار فلسفی و عرفانی
۳۰	۴. نقدی مبتنی بر قرآن و روایات معصومین علیهم السلام
۳۱	۵. نادرستی استدلالات عقلی
۳۳	۶. نقد به روش استدلال و نقل آراء مجتهدین
۳۵	۷. اعتماد بر نقل دایره اخبار و مسموعات و شنیدنی ها
۳۷	۸. ظاهرگرایی و پرهیز از تأثیر عبارات
۳۹	کتابنامه
۴۲	مقدمه مصحح
۴۷	نکاتی درباره تصحیح حاضر
۵۳	منابع مقدمه مصحح
۵۵	مقدمه مؤلف
۵۸	متن رساله
۵۸	۱. معتقدات مذهب اثنا عشری
۵۹	۲. برهان نظم
۶۲	۳. اقسام حکما
۶۴	۴. کفریات حکما

۵. خلق افعال..... ۶۸
۶. توضیح و تفسیر امر بین الامرین..... ۷۱
۷. ترجمه کتب فلسفه در زمان مأمون عباسی..... ۷۴
۸. دانشمندان شیعه و فلسفه..... ۷۶
۹. وضع فلسفه قبل از مأمون عباسی..... ۷۷
۱۰. مدح حکمت در قرآن..... ۷۸
۱۱. از جمله حکمت‌ها رضای به قضاء الهی..... ۸۱
۱۲. حکمت فلسفه و فهم قرآن و احادیث نبوی..... ۸۳
۱۳. عقاید باطل و زوابع..... ۸۵
۱۴. لوازم باطل در نظریه «از واحد صادر نمی‌شود مگر واحد»..... ۸۶
۱۵. نقد ابن سینا..... ۸۷
۱۶. نقد ابونصر فارابی..... ۸۸
۱۷. ذکر چند حدیث..... ۸۹
۱۸. معرفت کامل و ناقص..... ۹۳
۱۹. تفکر و عبرت..... ۹۵
۲۰. تفسیر اولیاء الله..... ۹۶
۲۱. سخنان باطل عرفا..... ۹۹
۲۲. لفظ عشق..... ۱۰۲
۲۳. معبد و صومعه..... ۱۰۳
۲۴. حسن بصری..... ۱۰۵
۲۵. ابن عطا..... ۱۰۶
۲۶. احادیث اخلاقی..... ۱۰۷

۲۷. عشق زمینی ۱۱۳
۲۸. حکایاتی از کتاب «مجالس العشاق» ۱۱۵
۲۹. سنایی غزنوی ۱۱۹
۳۰. نقد شیخ ابوسعید ابوالخیر ۱۲۷
۳۱. نقد شیخ ابوالحسن خرقانی ۱۲۸
۱۲. نقد ژنده‌پیل ۱۲۹
۳۳. نقد شیخ اشراق ۱۳۰
۳۴. حدیث و حد ۱۳۲
۳۵. خواب شیخ شهاب‌الدین سهروردی ۱۳۵
۳۶. تشبیهی برای شیطان ۱۳۸
۳۷. رهنمودهایی برای طاهر و حق ۱۳۹
۳۸. ظاهر و باطن عبادت ۱۴۲
۳۹. اسرار نماز ۱۴۳
۴۰. اقسام دعا و مناجات ۱۴۷
۴۱. اخلاق حسنه و طریقه تحصیل آن ۱۵۰
۴۲. مستحبات و نوافل ۱۵۳
۴۳. دشمنان دین و شریعت ۱۵۴
۴۴. عشق و عاشقی ۱۵۶
۴۵. بهشت و جهنم ۱۵۹
۴۶. تنزل مرتبه نبوت ۱۶۱
۴۷. ملامتیه ۱۶۴
۴۸. شعرهای عاشقانه و غنا ۱۶۷

۴۹. رقص و سماع ۱۶۹
۵۰. تصویری نادرست از خدا ۱۷۲
۵۱. اشتباه قاضی نورالله شوشتری ۱۷۶
۵۲. نقد سخنان محی الدین ابن عربی ۱۷۸
۵۳. جلال الدین محمد مولوی و نقد اشعارش ۱۸۵
۵۴. سلسله نوربخشیه و برخی از مشایخ آن ۲۰۹
۵۵. حروف کرخی ۲۱۱
۵۶. حنا بغدادی ۲۱۳
۵۷. محمد غزالی ۲۱۴
۵۸. ابراهیم آدمی ۲۱۶
۵۹. ابوالحسن خرفه‌نی ۲۱۷
۶۰. بُشر حافی ۲۲۴
۶۱. بایزید بسطامی ۲۲۷
۶۲. حسین بن منصور حلاج ۲۳۴
- منابع و مآخذ متن مصحح ۲۳۸
- رزومه مؤسسه فرهنگی هنری «نوین پژوهش قیاس» ۲۴۲

مقدمه حجت الاسلام علیرضا لیاقتی هزارجریبی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نقد فلسفه، تصوف، و عرفان

رساله «منبه المغرورین» و «رساله الزام الملحدين» و نیز رساله «منبه الجهال علی وصف رئیس اهل الضلال» نام آثار و مکتوباتی است که توسط ملا محمد کاظم حائری هزارجریبی (رحمته الله) در موضوع نقد جریان سه گانه فلسفه، تصوف، و عرفان به رشته تحریر در آمده است و اکنون نسخ خطی آن در کتابخانه ها و گنجینه های خطی مختلفی موجود است. البته به این سه اثر، رساله «ارشاد المنصفین» را نیز باید اضافه نمود که در همین موضوع به نگرش در آمده است اما متأسفانه تاکنون از آن اثری یافته نشده است. از سوی دیگر در رساله «فوائد لطیفه» ایشان که مجموعه ای کشکول وار است و در رساله «توحیدیه» و برخی رساله های کلامی دیگر مطالبی در این باب بیان شده است.

جهت آشنایی با ضرورت نگارش چنین کتاب هایی و نیز آشنایی با قلم نویسنده، لازم است با شرایط فرهنگی و اجتماعی حاکم در دوره حیات نویسنده این کتاب ها و نیز تاریخچه مختصری از پیدایش جریان های سه گانه مورد نقد، آشنا شویم.

مقارن با ایام حکومت امیرالمؤمنین (علیه السلام) و بیعت جامعه اسلامی با آن حضرت، برخی از صحابه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و چهره های نامدار از بیعت با ایشان سرباز زدند و به مرور در بین مردم، تفکر خاصی را رواج دادند

که منشأ پدید آمدن جریانی خاص شد.^۱ از آنجا که این افراد بانفوذ در زندگی شخصی، خود را زاهدپیشه و بی تعلق و غیروابسته به دنیا نشان دادند و در فهم معارف دینی، تصورات خاصی داشتند و به استناد فهم خاصشان از سیاست و حکومت، هرگونه رفتار سیاسی را در راستای ضعیف و خدشه به ایمان می دیدند، کم کم شاهد پدید آمدن تفکری در بین مسلمین به نام صوفیه یا تصوف می باشیم.

۱. روایتی مشهور در میان مسلمانان به ویژه در بین اهل سنت با تفاوت اندکی وجود دارد که منسوب به نبی اکرم ﷺ است: «آن بین بدی الساعة فتناً كقطع الليل المظلم ... كونوا احلاس بیوتکم» (ابوداود و ترمذی و ابن ماجه و السجستانی، سنن ابی داود، ج ۴، ص ۱۶۴؛ احمد بن حنبل، مسند احمد، ج ۱، ص ۴۳۲؛ محمد بن ابراهیم ابن ابی زینب الغبیه للنعمانی) پیش روی شما فتنه هایی است که مانند شب ظلمانی فضای تاریک و ابهام آلودی را ایجاد می کند ... در چنین اوضاعی باید مانند پلاس و بوریای منازل خویش باشید. شبیه به همین روایت، در مورد آخر الزمان در شیعی وجود دارد. این افراد به استناد آنکه در قتل خلیفه سوم و نیز به خلافت رس بدن را از المؤمنین علیّه فتنه ای بوده است، با ایشان بیعت نکرده و به این روایت استناد کردند و به آن به حلیسیه یا همان معتزله سیاسی مشهور شدند. از چهره های شاخص این مکتب عبداللّه بن عمر و اسامه بن زید و حسن بصری هستند. حسن بصری که از اولین چهره های این جریان است، به عنوان یکی از مؤسسان تفکر متصوفه و از زاهدان ثمانیه در عالم اسلام به شمار می رود. بعد از او، ابن مشی فردی و اجتماعی همواره به آن تفکر سیاسی گره خورده و پیروان او که اهل تصوف و متصوفان بودند هرگونه موضع گیری سیاسی را خلاف مرام و مسلک مذهبی خویش می دیدند.

از سوی دیگر در دوره بنی عباس، کتابخانه‌ای به نام دارالحکمة^۱ در بغداد تشکیل شد که متون فلسفی و علمی و پزشکی و ... را از بین کتاب‌های یونانی و ایران باستان و هندی و ... ترجمه می‌کردند.^۲ کم و بیش مباحث این کتاب‌ها در بین مسلمانان رواج یافت. بسیاری از گزیده‌های اعتقادی تحت تأثیر مطالبی قرار گرفت که از این کتاب‌ها فرارفته می‌شد و نشر می‌یافت. اولین نسل از فیلسوفان مسلمان^۳ در این دوره شناخته شدند.

تا مدت‌های متناهی این دو جریان به واسطه برخی کوتاه‌بینی‌ها و فهم نادرست و ارائه تصدیق و ناموزون از دین و یا بها دادن به استدلال‌های نادرست و اظهار عقلی و براهین فلسفی عقلی‌نما و مبتنی بر اطلاعات بی‌پایه، مورد ستایش مذمت اهل بیت (علیهم‌السلام) بودند و شیعیان نیز به پیروی از ایشان به تقابل با این دو جریان می‌پرداختند. جالب‌تر آنکه هیچ‌کدام از این دو جریان نیز با هم تشابه و تشابه فکری نداشته و به نزاع علمی و فرهنگی با یکدیگر می‌پرداختند.

۱. برخی منابع از دارالحکمة با نام بیت‌الحکمة (محمد بن عمر کشی، اخیراً مرجع الرجال، ج ۲، ص ۵۴۲) یا خزانه‌الحکمة (ابن‌الندیم، الفهرست، ص ۳۸۳) نیز تعبیر نموده‌اند.

۲. عواد کورکس، الذخائر الشریقة، ج ۶، ص ۹۰.

۳. ابویوسف یعقوب بن اسحاق کندی مشهور به فیلسوف العرب از جمله این افراد است. ابن‌الندیم، الفهرست، ص ۳۵۷.

در قرن چهارم و به واسطه گسترش مباحث فلسفی و راه یافتن آن به علم کلام، حضور فیلسوفان در بین اندیشمندان اسلامی پذیرفته شد و بعد از آن در قرن هفتم، علاوه بر استقلال فلسفه به عنوان یکی از علوم اسلامی، مباحث کلامی با مطالب فلسفی، اختلاط بیشتری نیز یافتند. در همین دوره شاهد طرح مباحثی از تصوف به شکل گزاره‌های فلسفی نیز هستیم و در کنار این پیوند، عرفان اسلامی شکل گرفت و افرادی به عنوان حکما و عرفای اسلامی مطرح شدند و کتاب‌هایی توسط برخی از این نام‌شنوایان مسلمان در موضوع عرفان به تحریر درآمد.

در همه این دوران‌ها، جریان عالمان فقیه و متکلمان شیعی به مقابله با این سه گروه می‌پرداختند؛ و چندین بار در برخی موارد به جهت مناظرات علمی متعدد و ناگزیری از آن‌ها، این مطالب، خود نیز متأثر از مباحث این جریان‌ها بودند تا آنجا که در برخی مباحث فلسفی و حتی عرفانی، مرز مشخصی بین برخی اعتقادات خاص شیعه و اعتقادات این سه گروه نمی‌توان یافت.

با قوت گرفتن جریان فکری افراطی از حدیث‌گرایان، در حیره‌های شیعه در قرن‌های دهم و یازدهم که اخباریان نامیده می‌شدند، آثار حدیسی و عمیق و فراوانی در رد افکار فلسفی، عرفانی، و متصوفه نگاشته شد. قلم تند و بی‌پروای آنان به هیچ کدام از این سه گروه رحم نمی‌کرد و حتی پا را فراتر گذاشته و تیغ تیز انتقاداتشان از عالمان فقیه و متکلم

شیعه که متأثر از برخی از آموزه‌های این جریان‌ها بودند نیز فروگذار نبود.^۱

سه قرن بعد نیز، اندیشوران مدرسه اصولی و پیروان روش اجتهادی قبل از اخباری‌ها، همین راه را پیمودند؛ درحالی‌که به لحاظ مبانی فکری و نیز روش استدلالی و استنباطی، اختلاف فاحشی با اخباری‌ها داشته‌اند و در اعتبار بخشیدن به عقل به عنوان منبع معرفتی قابل اتکا در منظومه معرفتی شیعه و در پی آن توسعه گزاره‌های عقلی دخیل در اجتهاد و فقه سیری کاملاً متفاوت را می‌پیمودند تا آنجا که به صرف

۱. ملا محمدامین استرآبادی مؤسس اخباری‌گری در کتاب «فوائد المدنیه» به آراء و مبانی کلامی، اصولی، و حدیثی اعجوبه علمی شیعه و نادره روزگار یعنی علامه حلی رحمته الله انتقاد شدیدی نموده و او را مُبدع و عامل انحراف مجتهدین و متکلمین از مسیر درست معارف اهل بیت علیهم السلام و راه یافتن این مباحث به علم اصول، حدیث، و کلام می‌داند و می‌نویسد: «فی ذکر ما احدثه العلامة الحلی و موافقوه، خلافاً لمعظم الامامیه اصحاب الانماة علیهم السلام...»

چنین اعتقاداتی همدیگر را تکفیر و تفسیق نیز کرده اند،^۱ اما در نقد جریان‌های سه‌گانه دوشادوش هم، کتاب‌های ردیه و رسائل استدلالی انتقادی نوشتند و در روزگاری که مجدداً مجتهدان و فقیهان عقل‌گرا استیلای علمی بر حوزه‌ها یافتند، بخش عمده‌ای از تلاش‌های علمی عویش را در این عرصه متمرکز کردند و به مقابله با آنان پرداختند.

حتی در آن دوره برخی از مجتهدان و مراجع شیعه که بخشی از تلاش‌های خود را به نقد این سه گروه معطوف نمودند علاوه بر نگارش کتاب‌های متعدد به مبارزه علنی و رسمی با آن‌ها پرداختند. دلیل چنین مقابله‌ای کاملاً روشن است و آن هم زیاد شدن درویش و اهل تصوف از فرقه‌های مختلف و آه‌یافتن آن‌ها به دربار و مجامع عمومی و نفوذ در بین مردم بی‌سواد و کم‌سواد بود است. به‌خصوص که بسیاری از آن‌ها با هیبت عالمان شیعی در انظار حاضر می‌شدند و برخی از آن‌ها

۱. نمونه کامل از این درگیری‌ها داستان نزاع میرزا محمد نیشابوری است. وی آخرین چهره شاخص اخباریها بوده و رئیس آنان به شمار می‌رفت. با مجتهدان اصولی عصر خویش درگیر بوده است و این نزاع سالها ادامه داشت و در برخی آثار اخیرش مانند «تسلیة القلوب» صفحه ۳۰۵ از شیخ جعفر کاشف الغطاء^(رحمته الله) به شیخ جعفر دررانی تعبیر می‌کرده است. از سوی دیگر مجتهدان اصولی هم مانند شیخ موسی کاشف الغطاء و سیدمحمد مجاهد او را به‌واسطه همین اعتقاداتش تفسیق کردند که در نهایت در کاظمین توسط مردم و به بهانه همین فتاوا کشته شد. هرچند در قتل او اغراض و اهداف شخصی برخی سیاسیون خاندان قاجار، عامل اصلی بوده اما در پوشش نزاع اخباری و اصولی بروز یافت.

تحصیلات علوم دینی هم داشته‌اند و بهترین راه نفوذ در بین جامعه آن روزگار، استفاده از این لباس و عنوان بوده است. همین امر موجب شد که بسیاری از مراجع بیدار و مجتهدان دلسوز و غیرتمند از سر احساس وظیفه وارد میدان شده و به مقابله علنی و جدی با آن‌ها پرداختند. برای نمونه می‌توان به برخی از آن‌ها اشاره کرد:

۱. ملا محمدعلی بهبهانی مشهور به کرمانشاهی (۱۱۴۴-۱۲۱۶ق) فرزند ارشد و جید بهبهانی و جد خاندان آل آقا کرمانشاهی. آقا محمدعلی در ستر بدو بزرگوارش به کرمانشاه مهاجرت نمود و رئیس‌العلمای آن سامان و مرجع تقلید بلامنازع بوده است. از مهم‌ترین فعالیت‌های ایشان مبارزه علنی با دوفیه و دراویش بوده تا آنجا که فتوای قتل یکی از سرکردگان درویش یعنی معصوم‌علی شاه دکنی را هم صادر کرد^۱ و البته مرگ مظفرعلی شاه که شاکر دود معصوم‌علی شاه بوده و مدتی در خانه آقا محمدعلی حبس بوده و به علت شکوک از دنیا رفته را هم برخی به ایشان نسبت داده‌اند.^۲ از همین رو به بی‌سوفی کش نیز مشهور گشت.

۱. زین‌العابدین شیروانی، بستان السباحه، ص ۲۲۴ و ص ۴۶۲.

۲. همان، ص ۴۸۴.